

مکتب واسطه

از همان زمان که دموکرت (ذیمقراطیس) حکیم بلند پایه یونانی در قرن پنجم ق م با ارائه نظریه معروف خود موسوم به اتمیسم سنک اول و شالوده مکتب ماتریالیسم را بنا نهاد و به پدر ماتریالیسم ملقب گردید و این نظریه مورد بحث و رد و نقد حکما و دانشمندان مختلف قرار گرفت تا موقعیکه کارل مارکس در قرن نوزدهم آنرا با اصول علمی تطبیق کرده با منطق دیالکتیک که از هراکلیت و هگل اقتباس کرده بود مجهز ساخت و آنرا بصورت مکتب علمی ماتریالیسم دیالکتیک در آورد همواره تئوریهای این مکتب مورد مخالفت قرار گرفته و مقاومتی بزرگ در برابر نفوذ و قبول آن ابراز شده است .

این مخالفت ها گاهی از ناحیه کسانی ابراز شده است که از نظر فکری در نقطه مقابل آنها قرار گرفته بودند . این عده در عالم وهم و خیال ارباب انواع و خدایان متعددی تصور کرده جریان امور عالم را به آنها نسبت میدادند و بهیچوجه در صدد پی جوئی و کشف روابط فنومنهای مختلف طبیعت نبودند

یک قسمت عمده از این مخالفت ها نیز مربوط بدوران تاریک و ظلمانی قرون وسطی است که طی آن محافل واسطه بکلیسا برای حفظ آقائی و فرمانروائی خود یک محیط خفقان افکار بوجود آورده ر با ایجاد محاکم تفتیش inquisition امکان اظهار و بیان هر نوع نظریه و عقیده را از غیر خود سلب کرده بودند

از ایندو نوع مخالفت که یگدریم بیک دسته ثالثی برخوردار می کنیم که نه روی خیال پرستی و اعتقاد بارباب انواع و نه بخاطر حفظ موقعیت ساختگی و منافع طبقاتی خود بلکه بخاطر حق پرستی و حقیقت جوئی نمیتوانستند نظریات ماتریالیستها را بپذیرند ، ایندسته با وجود اینکه در بسیاری از موارد در مبارزات فکری و مناظرات بین ماتریالیستها معتقدین بارباب انواع و یا کهنه پرستان کلیسا طرف ماتریالیستها را می گرفتند ولی نمیتوانستند از شکاف عمیقی که بین آنها و ماتریالیستها در باره بسیاری از اصول موجود بود چشم پوشی کنند ، ایندسته با وجود اینکه باختیار مطلق قائل نبودند جبر مطلق ماتریالیستها را نیز نمیتوانستند قبول کنند ، اینها وجود

ارتباط علت و معلولی بین بیشتر فنومهای طبیعت را قبول دارند ولی نمیتوانند طبق ادعای ماتریالیستها آنرا بر تمام فنومنها تعمیم دهند ، آنها وجود غریزه دفع ضرر و جلب منفعت را انکار نمیکنند ولی نمیتوانند محور فعالیتها و کوششهای بشری را جلب منافع مادی روزمره و استفاده مستقیم و محسوس بدانند ، اینها به نقص معرفت بشر برای درک حقیقت مطلق که خارج از زمان و مکان و لایتنهای و ازلی و ابدی بوده ، تمام موجودات احاطه کامل دارد معترفند ولی نمیتوانند وجود چنین حقیقتی را مانند ماتریالیستها انکار نمایند . حتی در بین خود ماتریالیستها نیز بکسانی برخورد میکنیم که عدم اعتقاد بتمام مبانی این مکتب در گفته هایشان بصورت تناقضاتی بروز کرده است . بطور نمونه از اینگونه فلاسفه میتوان هراکلیت و اپیکور را نامبرد :

هراکلیت از فلاسفه اواخر قرن ششم ق - م یونان و همان کسی است که اولین بار در مباحثات خود منطق دیالکتیک را بکار برد گفته معروف اوست : « در يك رودخانه دو مرتبه نمیتوان وارد شد »

هراکلیت خود از حکمای مادی است ولی در انسان روحی قائل است که آنرا « شراره ای از آتش علوی » میدانند که پس از مرگ باصل خود رجوع میکند .

اپیکور نیز یکی از فلاسفه یونانی بود که بین سالهای ۳۴۱ - ۲۷۰ ق-م میزیسته . او مبداء و منشاء تمام موجودات حتی روح و فکر را ماده دانسته جهان را مرکب از ذرات ریز و پیشماری میدانند که از ترکیب و تصادم اتفاقی آنها موجودات پدید میآیند . تغییر و تبدیل و تحویل فنومنها و حوادث جهانرا قوانینی علت و معلولی میدانند ولی درعین حال منسکر جبر بوده و برای انسان نوعی اختیار قائل است .

ما اکنون درصدد آن نیستیم که افکار ماتریالیستها و مخالفین آنها را تشریح کرده آنها را بایکدیگر مقایسه و احیاناً امتیاز یکی را بر دیگری نشاندهیم و پی جوئی این رشته را که سردرازی دارد بشماره ای بعدمو کول میکنیم . بلکه فعلاً برآنیم که اجمالاً و بطور خلاصه بوجود يك مکتب اشاره کنیم که مبانی او ایه اش روی فطرت مردم نهاده شده و از موقعی که بشر پا بر مرصه وجود گذارده در هر زمان بطور خاصی با آن سر و کار

داشته و بتدریج در جریان تاریخ تکامل پیدا کرد، و بالاخره بصورت يك سیستم اجتماعی کامل در تاریخ عقاید و افکار بشری عرض اندام کرده است.

این سیستم اجتماعی کامل سیستم واسطه‌ای است که از نظر فلسفی بین دو مکتب ایدئالیسم و ماتریالیسم و از نظر اقتصادی بین دو سیستم کاپیتالیسم و کمونیسم قرار گرفته است.

مبادی فکری و فلسفی این مکتب با ظهور ادیان اولیه پایه گذاری شد چندی بعد حکیم عالیقدر و فداکاریونانی سقراط و شاگردانش و بعدها فلاسفه و دانشمندان دیگر هر يك بسهم خود خشتی بر پایه های اولیه این بنای عظیم افزودند و بالاخره دین مقدس اسلام نقش عمده و اساسی را در ساختمان این کاخ با عظمت بعهدہ گرفت و با خصوصیات اجتماعی انحصاریش و توجه عمیقی که بمسئولیات و معنویات توأماً مبذول داشت حقاً از عهدہ این مشگل عظیم برآمد.

بعدها دانشمندانی چون دکارت، اسپینوزا، و دیگران هر يك بنحو خاصی در جلوه گر ساختن حقایق عالی این مکتب کوشیدند.

هدف فعالیت و غایت کوشش این مکتب تأمین سعادت بشریت از طریق درک و شناختن روابط مختلف امور عالم است بعبارت دیگر این مکتب میخواهد با پی بردن بروابط فنومن های طبیعت و جهان لایتناهی و بالنتیجه شناختن اصول و نوامیس کلی که بر جهان وجود حکمفرماست راه بهتر زیستن و سعادت مند شدن شدن را به بشر نشان بدهد.

معروف است که سقراط «برای نیکوکاری و بنای علمی و عقلی میجست او میگفت باید بلند پروازی را رها نموده بخود فرورفت و تکلیف زندگانی را فهمید» بهمین مناسبت است که میگویند سقراط فلسفه را از آسمان بزمین آورد.

در مقابل فلاسفه ای مانند سوفسطائیان که بیشتر اوقات خود را مصروف بحث هایی میکردند که کمتر نتیجه و اثر عملی و اخلاقی بر آن مترتب بود میگفت باید خیر و شر را تشخیص داد زیرا مردم از روی علم و عمد دنبال شر نمیروند و اگر خیر و شر را تشخیص دادند البته خیر را اختیار میکنند.

هربرت اسپینوزا فیلسوف انگلیسی بزرگترین خدمت را شرکت در

پرورش و تربیت و تهذیب مردم میدانست . هم او میگوید :

«بلندترین آرمان اخیار اینست که در آدم سازی شرکت کننداگر

چه اهتمامشان غیر محسوس باشد و مجهول بماند .»

پیغمبر بزرگوار اسلام (ص) فرمود «برگزیده شدم تا مکارم اخلاق

را تمام کنم .»

قرآن کریم در آخر آیه (۷) از سوره مائده میفرماید : «خداوند

نمیخواهد که بر شما مشقت و تنگی قرار دهد بلکه میخواهد شمارا پاک گرداند

و نعمتش را بر شما تمام کند .»

اصول فلسفی این مکتب چنانچه در مقالات بعدی تشریح

خواهد شد بر پایه پرستش خدا و ایمان بمبداء و معاد و از نظر

اقتصادی بر پایه لغو امتیازات طبقاتی و ایجاد امکانات مساوی

برای پیشرفت و ترقی و تأمین رفاه افراد و از نظر سیاسی و اجتماعی

آزادی و برابری است

بعبارت کلی تر سیستم واسطه را باید سوسیالیسمی دانست که بر پایه طرز

فکر خدا پرستی بنا شده است و اصولا میتوان گفت که سوسیالیسم حقیقی

و واقعی جز بر پایه چنین طرز فکری امکان پذیر نیست .

طرفداران این طرز فکر نیز چنانچه اجمالا گذشت از دیر زمان در

میدان جنگ عقاید با هر دو دسته کهنه پرستان خرافی و ماد یون افراطی در

نبرد و کشاکش بوده و روز بروز چه از نظر کیفیت و چه از نظر کمیت

بر قدرت و نفوذشان افزوده شده است چنانچه امروز در سراسر جهان و در

موارد مختلفه این قدرت با صور گوناگون فکری، سیاسی و غیره بطو بارز

تظاهر کند .

امروزه در داخل کشورهای مختلف اروپا نهضت های آزادیخواهانه

بسیاری ایجاد شده است که میخواهند رژیمهای کهنه و زنگ زده ای را

که از طرف هیئات حاکمه فاسدشان حمایت و تقویت میشود سرنگون

کنند بدون آنکه بستگی خاصی بین آن نهضت ها و نیروهای جهانی مخالف

آن رژیمها وجود داشته باشد .

نهضت های ضد استعماری که در حال حاضر در سراسر مشرق زمین

از اندونزی گرفته تا شبه جزیره هندوستان و ایران و مصر و کشورهای افریقای

شمالی و جنوبی بر علیه دول استعمار طلب بر پاشده است عموماً از طرف اکثریت قریب باتفاق افراد آن ملتها پشتیبانی میشود بدون آنکه چندان روی خوشی بآزادخواهان! . خارج مرز نشان داده باشند .

ملتهای بیدار جهان امروز از یکطرف برای برچیدن بساط زور و ستمگری دول استعمار طلب و مسببین سیه روزی و ناکامی بشر قیام کرده و از طرف دیگر در مقابل هر نوع استعمار جدید بسختی مقاومت میکنند .

- مردم امروز جهان خواهان دنیائی هستند که در آن نه از ستمگری و استثمار و اختلاف طبقاتی خبری باشد و نه از فرمولهای فلسفی مضره ای که اساس اخلاق و فدکاری و حس همدردی و تعاون را از گون کند . تجربیات تاریخی و مطالعات متفکرین نشان داده است که تحقق این آرمان مقدس و بنای يك چنین دنیائی جز در سایه حکومت طرز فکر نجات دهنده مکتب واسطه ممکن و مقدور نیست . بهمین جهت مردان بزرگ و فدکاری که زندگی خود را وقف خدمت بمردم و وجهه همت خود را تأمین سعادت بشریت قرار داده بودند از دیر زمان در راه اشاعه حقایق این مکتب مقدس کوششها کرده و گاهگاه توانسته اند تجلیات حیات بخش آنها بجهانیان عرضه کنند این روزها که صف آرائی دوبروک کشورهای سرمایه داری و کمونیست و یا بعبات دیگر جهان آزاد و کشورهای توتالیترا دنیا را دچار يك بحران واضطراب فکری نموده است بیش از هر وقت توجه مردم را بسوی این نقطه و امید دوخته شده انتظار روزی را دارند که اشعه تابناک این خورشید حقیقت سرتاسر جهان را روشن نموده و در پرتو تعالیم و مقررات مقدس خود باین آرمان عالی و دینرینه بشری جامه عمل بپوشاند بامید آنروز .

مهندس شکیب نیا